

دو فرهنگِ حاکم در درونِ چپ!

شباهنگ راد

عارضه‌های چپ خارج از کشوری فاحش‌اند و دو فرهنگ متضاد از هم، رو در روی مدعیان منفعت کارگران و زحمت‌کشان قرار گرفته است. حقیقت روشن است و طبعاً یکی از این فرهنگ‌ها را می‌توان به‌عنوان نماینده‌ی حقیقی توده‌های محروم و ستم‌دیده، و هم‌چنین به‌عنوان افکار کمونیستی به حساب آورد. متأسفانه آنچه پیداست، آسیب‌ها و ضررها، بیش از ساختن‌ها و منفعت‌هاست. دلایل متعدد و چندی را، و یا به‌عبارتی، چند ده گانه‌ای را می‌توان بر شمرد، که چرا اوضاع نیروها و عناصر مدعی تغییر دنیای سراسر ظلم و تباہی و آن‌هم در حوزه‌ی رفتاری، این‌گونه شده است و دارند، با شتاب و با سرعت بسیار بالائی، خلاف مسیر روحيات و اخلاقیات کمونیست‌های راستین را طی می‌نمایند؟

به راستی که چرا این‌گونه رفتارهای کوتاه‌بینانه و پرخاش‌گری‌ها، اتهام‌زنی‌ها و تهمت‌های سیاسی - امنیتی و آن‌هم در ابعادی گسترده، در میان چپ خارج از کشوری رواج یافته است و بر روح و بر کالبد نحیف "اعضاء" و "کادر"های "سازمان‌ها" و "احزاب" ریشه دوانده است؟ دلیل اصلی آن‌ها در چیست و چه زمانی رفتارهای هیستریک و مغرضانه و آغشته به فرهنگ سرمایه، به سر خواهد آمد، و نسل جوان امروزی، شاهد برخوردهای کمونیستی متمدنانه، و کاریست مندهای صحیح و راه‌گشای معضلات و مشکلات جنبش‌های اعتراضی و هم‌چنین پاسخ‌گوی ناکرده‌های سیاسی - نظری و عملی "سازمانی" و "حزبی" خواهد بود؟

آفت است و در یک نگاه ساده، به تربیت مناسبات ناصحیح سازمانی - تشکیلاتی بر می‌گردد و قرار و انتظار هم بر آن نیست، که پرونده‌ی چنین رفتارهای غیر انسانی و سرشار از انحرافات اخلاقی - اجتماعی به پایان رسد. راه طول و درازی، جنبش‌های اعتراضی کارگری - توده‌ای، در حوزه‌های سیاسی - عملی و هم‌چنین در زمینه‌ی رفتاری، در پیش‌رو دارند. دوران عقب‌نشینی‌ست و طبعاً در چنین دورانی، دامنه‌ی فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر جامعه، گسترده‌تر و گسترده‌تر خواهد شد و به صفوف مدعیان چپ هم رسوخ خواهد کرد؛ روش‌ها و مندهایی که در تخالف با فرهنگ عنصر، سازمان و حزب متعلق به چپ حقیقی‌ست.

متأسفانه اثرات بسیار فراوانی در این حوزه، سرمایه بر روح و روان همه‌ی اقشار جامعه، و هم‌چنین بر عنصر و بر نیروی مدعی چپ به‌جا گذاشته است و طبعاً، محدود و خروج از چنین منجلابی، منوط به ورود سازمان و حزب کمونیستی به مبارزه‌ی جدی با رژیم سراسر مسلح، تا سر حد برقراری جامعه‌ای نوین و هم‌چنین منوط به انقلاب رفتاری عنصر کمونیستی‌ست. جامعه و عنصری که از رسوبات سرمایه فارغ گشته و بشارت دهنده‌ی فرهنگ پرولتری و سازنده‌ی کمونیستی‌ست. در هر صورت این‌دست اعمال در اوضاع در هم ریخته‌ی کنونی، بی‌شمارند و سندها و فاکتورهای بسیار طولی وجود دارد، که حکایت از بی‌پرنسیبی، و حکایت از تخریب شخصیت‌ها می‌کند و شکی در آن نیست که همه‌ی مخالفین "سازمانی" - "حزبی"، با چنین رویه و روی‌کردهایی آشنائی دارند و آن‌قدر فاکتورها و فحاشی‌ها فراوان‌اند، که با سیاه نمودن هزاران صفحه‌ی کاغذ سفید، نمی‌توان پرونده‌ی آن‌ها را بست.

در این‌میان، بخش و یا قسمتی از این صفحات، متعلق به «بابک آزاد»، از "اعضای"، بر جسته" و "فعال چریک‌های فدائی خلق" می‌باشد. وی طبق معمول و به‌منظور خوش‌خدمتی بیش‌تر به "مدیران" تشکیلاتی و در کامنتی پیرامون نوشته‌ی «اشرف دهقانی» و تز دو قطبی امپریالیستی!، اعلام داشته است که: "آنچه در این جا از طرف شخص مشکوکی به نام شباهنگ راد نوشته شده نه یک تحلیل سیاسی بلکه تخریب، لجن پراکنی، و پاره گوییهای یک قلم به مزد وزارت اطلاعات است تخطئه کردن تمام فعالیتهای تمام احزاب و نیروهای سرنگونی طلب و چهره های درخشان مبارزاتی یک ملت فقط و فقط از به پاسدار ذوب شده در ولی وقیه اش بر میاید"، هم‌چنین و در ادامه‌ی رسالت و وظایف‌اش و در پاسخ به کامنت‌گذار دیگری، می‌گوید: "دوست گرامی انتقاد و نقد و نظر و

برخورد به نظرات یکدیگر به سود جنبش و پیشروی انقلاب است و درست، اما این شخص تحلیل سیاسی را دستاویز قرار داده برای تخریب مبارزین و انقلابیون و کار او خدمت به ادامه سلطه ارتجاع اسلامی در کشورمان است".

این اولین بار نیست که "کاشف سیاسی"، "قاضی چپ"، و آن‌هم به‌گونه‌ی "هوشیارانه"، به افکار "مخرب" و "قلم به‌مزد" و "خدمت‌کار سلطه‌ی ارتجاع" پی می‌برد و صد البته به انتظار نشسته است تا روز و روزگاری، و در "فردای انقلاب" ایران، "حکم" غیابی‌اش را به‌عمل در آورد!!

عجبا به چنین نگرش و افکار عضو سازمان سیاسی، و حامی برقراری عدالت اجتماعی در درون جامعه!! عجبا به این دنیای عجیب و غریب، که کسانی همچون «بابک آزاد»، دارند از یک‌طرف و به‌ظاهر، جامه‌ی چپ به تن می‌کنند و از طرف دیگر، ره و فرهنگ دیگری را پی می‌گیرند. تردیدی در آن نیست که بی‌مایه‌گان و کج اندیشانی همچون «بابک آزاد»، با انجام چنین عکس‌العمل‌های ناشایستی، دارند هم ماهیت درونی خود را عریان‌تر می‌نمایند و هم، صفوف چپ را شفاف‌تر می‌سازند، مضافاً این‌که به‌هر اندازه مرزبندهای رفتاری، خالص‌تر شود، کار و بار چپ، راحت‌تر به پیش خواهد رفت.

بزعم وی، همه‌ی آن "لجن‌پراکنی‌ها"، "یاوه‌گوئی‌ها" و "دست‌آویزهای سیاسی" و "تخریب مبارزین" و غیره در آن بود که چرا و به‌مانند «اشرف دهقانی»، گفته نشده است که: "بگو مگوهای مابین امپریالیست‌ها را نمی‌توان در مغوله‌ی دو قطب امپریالیستی توضیح داد؛ چرا و به چه دلیل، اشاره نشده است که امپریالیسم آمریکا در عراق دست به ریسک بزرگی زده است؛ چرا تاکید نه‌گردیده است که امپریالیسم آمریکا دست‌پاچه به سوریه ورود نموده است؛ و همچنین، چرا و بر خلاف نظر «اشرف دهقانی» تاکید گردیده است که وظیفه‌ی توده‌ها، درک و شناخت بنیادی تضادهای درون جناح‌های متفاوت امپریالیستی و انجام عمل مستقلانه، و مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، به متن آوردن کمونیست‌ها از حایشه، و فراهم سازی قدرت‌گیری آنان نیست!!"

آری از چنین "دست‌آویز"هایی استفاده شده است و بنابه باور «بابک آزاد»، هدف از طرح چنین مواردی، چیزی جز، "تخریب" مبارزین و فعالیت‌های "سازمان‌ها" و "احزاب" وابسته به مردم نه‌بوده است!! در حایشه و ناگفته نه‌ماند که انگیزه‌ی اصلی از توضیح این‌موضوع سخیف، نه تلاش اثبات جایگاه نویسنده‌ی «اشرف دهقانی» و تز، دو قطب امپریالیستی!!، بل تاکید دوباره و نشان دادن حکمیت رفتاری جریان‌یست که در دل خود دارد، به باز تولید چنین افرادی می‌پردازد، و دارد از شگردهای غیر سیاسی - انسانی‌ای به‌منظور به عقب راندن مخالفین خود سود می‌جوید؛ جریانی که خود را در مقام "کمونیست‌ترین" و "متمدنانه‌ترین جریانات و احزاب قرار داده، و مبلغ و مدعی تحول بنیادی در درون جامعه، و همچنین منادی به اهتزاز در آوردن پرچم و فرهنگ "پرولتری"ست!! اگر ادعاهای این "سازمان" و یا آن "سازمان" را کنار بگذاریم و به عالم حقیقت و به فاکتورهای موجود رجوع نماییم، به این جمع‌بند کوتاه و روشن دست خواهیم یافت، که در حوزه‌ی رفتاری، مدعیان چپ خارج از کشوری، بسیار عقب مانده و فاقد سیاست سازنده‌گی‌اند. نه تنها با مبارزه‌ی ایدئولوژیک سالم، دشمنی دارند بلکه کمترین گامی در جهت رفع ایرادهای درونی خود بر نمی‌دارند. نشان داده‌اند که تا چه اندازه با متانت و با شکیبائی کمونیستی فاصله گرفته‌اند و با تمام وجود، در پی شکستن قلم‌ها، اتهام‌زدن‌ها و بر چسب‌های امنیتی به مخالفین‌اند؛ روش‌ها و متدهایی که از آن طبقات حاکم و جانیان سرمایه است و کمونیست‌ها، برای نابودی و برای سوزندان چنین افکار علیل و درمانده‌ای، به میدان آمده‌اند.

بر اساس چنین حقایق نأسف برانگیزیست که جای دارد تا کمی عمیق‌تر، به این‌گونه رفتارها اندیشید و دانست، که با "عضویت" در این کتاب‌خانه و یا آن کتاب‌خانه‌ی جوامعی بورژوائی، غائله‌ی آن به سر نه‌خواهد آمد. چرا که بارها و بارها، دیده و شاهد بوده‌ایم که چگونه، اعضاء و کادرهای دیگر احزاب و جریانات و علی‌رغم عضویت در کتاب‌خانه‌های محلی و همچنین عضویت در "انجمن‌های مارکس" و غیره، به تخریب مخالفین خود و آن‌هم یاران و هم‌سنگران چندین دهه‌ی‌شان پرداخته‌اند، که توضیح و برشماری دقیق آن‌ها - و علی‌رغم ساده‌گی -، بسیار پیچیده و ناممکن می‌باشد؛ دیده، خوانده و مشاهده نموده‌ایم که چگونه اتهامات سیاسی و بویژه امنیتی

توسط افرادی همچون «بابک آزاد»، به مزاج به اصطلاح مدیران و مدیران تشکیلاتی خوش آمد، و به تحسین و تقویت چنین افرادی پرداخته‌اند. باری ساده‌گی قضیه، صرفاً و صرفاً، در این است که "مدیران" و "مدبران" کنونی، نیاز به یار و یاروانی همچون «بابک آزاد» دارند، تا "اعتبار" سیاسی از دست‌رفته‌ی خود را - و آن‌هم در حوزه‌ی مجازی - باز یابند. گویی «بابک آزاد»، آزادی را این‌گونه درک نموده تا هر آنچه را که، از ذهن خام و علیل‌اش خنجر نموده است را می‌بایست بیان نماید. گویی "کسب مدارج" بالاتر تشکیلاتی، و نشان هر چه بیش‌تر عُلقه به بالائی‌ها، در پرخاش‌گری و در نثار اتهامات سیاسی - امنیتی به دیگران تعریف گردیده است. به هر حال - و به‌گونه‌ای - می‌بایست، نردبان "ترقی" را طی نمود و بر بخش، و یا بر بخش‌هایی از وظایف "خطیر" خود، پای‌بند بود!!

در هر صورت و خارج از حضور و میدان‌داری چنین رفتارهای ناشایست و غیر کمونیستی در درون چپ، کنش‌ها و واکنش‌ها طبقاتی‌ست و بدون کم‌ترین تردیدی، کمونیست‌های صدیق و مدافعین حقوق پایه‌ای انسان‌ها با چنین رفتارهای هیستریک و حقیری، مرزبندی روشنی دارند و عمیقاً بر این باوراند، که فرهنگ و کار و بار کمونیست‌ها، با فرهنگ و کار و بار طبقات می‌رند، از زمین تا آسمان است. بر این باوراند که این دو، مسیر یکسانی را طی نمی‌نمایند و هر یک نماینده و نماینده‌گان طبقه و اقلیت متفاوت درون جامعه‌اند. بقول مارکس "این آگاهی آدمی نیست که وجود وی را تعیین می‌نماید بلکه بر عکس، آن وجود اجتماعی‌ست که آگاهی وی را تعیین می‌کند". به همین دلیل روشن است که دارد تاکید می‌گردد، یکی در حوزه‌ی رفتاری، سازنده، مثبت و تأثیرگذار، و دیگری مخرب، منفی و آغشته به حب و بغض می‌باشد.

خلاصه‌ی کلام این‌که، کار بستِ متدها و اسلوب‌های باز دارنده، از آن آرمان و مکتبِ طبقه‌ی می‌رند است و سازمان و حزب پیش‌رفته و مدافعی کارگر و زحمت‌کش، در چنین جغرافیای سیاسی‌ای تعریف نمی‌گردد و به بیانی روشن‌تر و دیگر، در تقابل با افکار و کارکردهای کمونیست‌هایی صدیقی همچون احمدزاده‌ها، حمید اشرف‌ها و صدها رزمنده و کمونیستِ رهائی از زیر ظلم و ستم و فرهنگ سرمایه‌داری قرار دارد. نمی‌توان از یک‌طرف و به دروغ خود را هم‌ردیف و هم‌مجمعی حمید اشرف‌ها معرفی نمود و از طرف دیگر، کم‌ترین تأثیری از روش‌ها و از برخوردهای آن‌ها نه گرفت. متانت و برخوردِ آموزنده و نگاهِ حمید اشرف با مخالفین خود، همچون تقی شاهرام را یا نه‌خوانده و یا نه‌شنیده‌اید؛ یا اگر خوانده و شنیده‌اید، کمی از آن بی‌آموزید که هم برای شما مفید است و هم به کار آینده‌گان خواهد آمد. خود را هم‌ردیف با حمید اشرف و فدائیان دهه‌ی چهل می‌دانید و در عمل و رفتار، کم‌ترین بونی از عمل و رفتار آنان نه بُردید. از خواب اتهام‌زدن‌ها نسبت به مخالفین خود بیدار شوید و به‌مانند بیدار شده‌گان عاقل و بالغ، برخورد کنید. چرا که وقت زیادی برای یکایک ماها باقی نمانده است و در این سه دهه، کار و بار مهم و اثربخشی، از خود بر جای نه‌گذاشته‌ایم و در عوض و حداقل، تلاش نه‌ورزیم تا بر میزان خرابی‌ها و بر میزان بی‌پرنسیبی‌ها بی‌افزائیم. آیا می‌دانید که این‌روزها حفظ و پای‌داری به اصول اولیه، به‌یک‌ی از پایه‌ای‌ترین پرنسیب‌ها تبدیل گشته است و وفاداری عملی بدان‌ها، و آن‌هم در دوران عقب‌نشینی و در دوران بی‌تحریکی و مبارزه‌ی رو در رو با دشمنان و رژیم‌های هار و سرکوبی همچون جمهوری اسلامی، از موفقیت‌های بزرگ به حساب خواهد آمد؟ از سر فقرِ استدلال و از سر ناتوانی، نمی‌توان به سیاستِ پرخاش‌گری و اتهام‌زدن‌های بی‌اساس روی آورد و در همان‌حال، ادعای هدایتِ مبارزه‌ی طبقاتی و اتحاد با دیگر نیروهای سیاسی را داشت. انجام چنین وظایفی، به باوری بلند و بالایی نیازمند است و در عمل به اثبات رسانده‌اید، که کم‌ترین اعتقادی به اتحاد و صیقل بخشیدن به مبارزه‌ی طبقاتی درون جامعه، و هم‌چنین ورود به مبارزه‌ی سیاسی - ایدئولوژیک سالم، با دیگر تجمعات و نیروهای خارج از کشوری نه‌دارید. شوربخانه پرونده‌تان خالی از انجام وظایف بدیهی کمونیستی، و در عوض، سرشار از بی‌باوری عملی - رفتاری حمید اشرف‌هاست. بیهوده شعار سر نه‌دهید که هدف‌تان محترم شمردن به کار و بار دیگر جریان‌ات و احزاب است. به خود آئید و ماشین‌تانرا در گوشه‌ای و آرام، پارک کنید و بیش از اندازه، گاز نه‌دهید و گرد و خاک به‌پا نه‌کنید، که دود و غبار آن، به چشم، و

بر سر و بر بدن، چپ خواهد نشست. بیش از این، دیگران را عمداً و سهواً، به این مسیر سوق ندهید که رفتار و کردارتان، بر گرفته از کمونیست‌های صدیق و ارزنده‌ای همچون حمید اشرف‌هاست.

24 اکتبر 2014

2 آبان 1393